

مقایسه تطبیقی دوره کارشناسی ارشد پیوسته با کارشناسی ارشد ناپیوسته معماری در ایران از دیدگاه استادان، کارفرمایان و دانش‌آموختگان*

عباس صداقتی**^۱، عیسی حجت^۲

^۱ دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ استاد دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۸/۲۸، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۸/۱۹)

چکیده

کارایی آموزش و نوع تربیت معماران در تعالی معماری و ارتقا فرهنگ جامعه نقش به‌سزایی دارد. مقایسه محتوای آموزش با یکدیگر، از روش‌های مورد استفاده متخصصین برای شناسایی نقاط ضعف و قوت سیستم آموزشی است. از حدود ۸۰ سال پیش، آموزش آکادمیک معماری در دو مقطع کاردانی و کارشناسی ارشد پیوسته جهت تربیت نقشه‌کش و معمار تعریف و با یک امتحان ورودی تشریحی آغاز گردید. از سال ۱۳۷۲، بخش تشریحی امتحان حذف و در سال ۱۳۷۷ دوره کارشناسی پایه‌ریزی شد. مسأله پژوهشی حاضر، بررسی و مقایسه آموزش معماری به شیوه کارشناسی ارشد پیوسته با شیوه کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته، از دیدگاه استادان، کارفرمایان و فارغ‌التحصیلان می‌باشد. این تحقیق یک پژوهش کاربردی، به شیوه توصیفی تطبیقی است که با استفاده از روش جرج‌بردی در چهار مرحله؛ توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه انجام شد. در مرحله اول، محتوای آموزش معماری و اهداف برنامه توصیف شدند. سپس در مورد این محتوا (دانش، بینش و توانش)، تفسیرها و نظرات استادان، کارفرمایان و دانش‌آموختگان دو دوره و دانشجویان با مصاحبه و پرسشنامه، اخذ گردید و پس از همجواری، مقایسه انجام گرفت. که نتیجه بررسی حاکی از مناسب‌تر بودن دوره کارشناسی ارشد پیوسته از دیدگاه ایشان می‌باشد. پیشنهاد می‌گردد ضمن احیا دوره کارشناسی ارشد پیوسته، دوره کارشناسی به صورت محدود و صرفاً به عنوان تربیت کمک‌طراح تداوم یابد.

واژه‌های کلیدی

آموزش معماری، دوره کارشناسی ارشد پیوسته، دوره کارشناسی، دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته، مقایسه تطبیقی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول تحت عنوان: "واکای شیوه‌ها و مقاطع آموزش معماری در ایران و گزینش روش بهینه" به راهنمایی نگارنده دوم در دانشگاه تهران است.

** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۷۱۴۱۷۲۶۳، نمابر: ۰۴۴-۳۳۶۶۸۸۳، Email: Sedaghati7263@ut.ac

مقدمه

مختلف و... از مسائل مبتلا به امروز آموزش معماری است. که هر یک می‌تواند به عنوان یک مسأله جدی پژوهشی مورد بحث قرار گیرد. مرور بر پیشینه نشان می‌دهد، از زمان ایجاد دوره کارشناسی، مسئله‌ی مهم کارآیی و بازدهی شیوه جدید آموزش معماری در مقایسه با دوره کارشناسی ارشد پیوسته به صورت علمی مطالعه نشده است و از طرفی با توجه به فعالیت بیش از ده ساله اولین دوره‌های فارغ‌التحصیل شیوه جدید (کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته) و فرصت کافی و مناسب برای نمایش توانایی این گروه، اکنون امکان بررسی و تحلیل کارائی و بازدهی شیوه مذکور مهیا شده است. از این رو مسأله پژوهشی حاضر، بررسی و مقایسه آموزش معماری به شیوه کارشناسی ارشد پیوسته با شیوه کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته می‌باشد. در نظر است بتوان معایب و مزایای هر کدام را از دیدگاه استادان، کارفرمایان، فارغ‌التحصیلان بررسی و مقایسه کرد. عمده‌ترین هدف برنامه آموزشی، تربیت و آماده‌سازی فراگیران برای زندگی و انجام فعالیت‌های حرفه‌ای در جامعه است و مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های لازم برای دستیابی به اهداف اختصاصی برنامه در آن لحاظ می‌شوند. جهت تحقق بخشیدن به اهداف و رسالت‌های آموزش عالی، متخصصین انجام پژوهش‌های متعدد را برای چگونگی بررسی و شناسایی نقاط ضعف و قوت برنامه درسی ضروری می‌دانند (McEwen, Bechtel, 2000). برنامه‌های با کیفیت بالا، دانشجویان با کفایتی را برای آینده تربیت خواهد نمود. مؤسسات آموزشی برای اینکه بتوانند برنامه درسی با کفایتی را ارائه نمایند، باید آنها را مرتب در معرض بازنگری و اصلاح قرار دهند. ارزشیابی محتوای دوره آموزشی به روش‌های مختلفی انجام می‌شود. مقایسه محتوای برنامه‌های درسی با یکدیگر، از روش‌های مورد استفاده است. این مقایسه به شناسایی نقاط قوت و ضعف برنامه کمک کرده و باعث ارتقای کیفیت برنامه آموزشی می‌گردد. این مقایسه می‌تواند در بخش‌های مختلف سازمان‌های آموزشی، برنامه درسی، ارزش‌ها، نتایج به دست آمده، مکان و زمان و شیوه آموزش باشد. در این راستا در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سؤال‌های زیر بوده‌ایم:

آموزش در مدارس و دانشکده‌های معماری از آنجا حائز اهمیت است که مکانی است که کاربران آن پس از طی دوران تحصیل به عنوان معماران و هنرمندان تحصیل کرده وارد جامعه و بازار کار می‌شوند و اگر بر روی تربیت این افراد خوب سرمایه‌گذاری شده باشد، آنها می‌توانند با ارائه آثار معماری با هویت، در تعالی هنر معماری و همچنین ارتقا فرهنگ جامعه نقش به‌سزایی داشته باشند و جامعه را به سوی رشد و تعالی هدایت نمایند و در صورت عدم تربیت و رشدیافتگی مناسب خود، زمینه انحطاط فرهنگی جامعه را فراهم نمایند.

نظام آموزشی جدید بر مبنای هرم آموزشی شکل گرفته است و از آموزش همگانی آغاز و با طی مقاطع دانشگاهی افراد را برای تصدی کارها در جامعه آماده می‌کند. در این میان معماری نیز مانند سایر رشته‌ها، بدون توجه به حال و هوای معماری (ترکیب فن و هنر) در دوره‌های کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تعریف شد، در حالی که در گذشته، نظام سنتی آموزش معماری در ایران بر رابطه مستقیم استاد و شاگردی فقط به صورت عملی و تجربی بوده است. یعنی یک کارآموز معماری از سنین نوجوانی زیر نظر یک استادکار معمار با کارهای بسیار ساده، به یادگیری می‌پرداخت. کارآموز علاوه بر معماری، هنجارها و رفتار استاد خود را با محیط در حال ساخت، می‌دید و می‌آموخت (اکرمی، ۱۳۸۲). این روش، از حدود سال‌های ۱۳۱۸ هجری شمسی، به دلایلی از جمله؛ افزایش جمعیت و ازدیاد نیاز به ساخت‌وساز-کمبود تعداد معماران- زمان‌بر بودن آموزش- نیازهای نو-تحولات صنعتی و به وجود آمدن امکانات نوین- ایجاد تخصص‌های جدید همچون سازه، تأسیسات، اقتصاد، جامعه‌شناسی (که قبلاً همگی در حیطه کار معمار بود)، با روش آکادمیک جایگزین شد و دو مقطع کاردانی و کارشناسی ارشد پیوسته جهت تربیت نقشه‌کش و معمار تعریف و با یک امتحان ورودی تشریحی برای انتخاب افراد شروع شد. اما از حدود دو دهه پیش (سال ۱۳۷۲)، بخش تشریحی امتحان ورودی حذف و در دوره‌های بعد (سال ۱۳۷۷) دوره کارشناسی پایه ریزی شد. تبدیل مقطع کارشناسی ارشد پیوسته به کارشناسی و قراردادن این رشته در رده رشته‌های مهندسی و حذف کنکور ورودی اختصاصی، جذب دانشجویان از گروه‌ها و طیف‌های

۱-۱. سؤالات تحقیق

- از منظر استادان، کارفرمایان، فارغ‌التحصیلان، آموزش معماری به صورت کارشناسی ارشد پیوسته مناسب‌تر است یا کارشناسی ارشد ناپیوسته؟

- دوره کارشناسی ارشد پیوسته، کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته از دیدگاه استادان، کارفرمایان، فارغ‌التحصیلان و دانشجویان رشته معماری چه محاسن و معایبی دارد؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

برگزاری همایش‌هایی در سطح ملی (نظیر اولین تا ششمین همایش آموزش معماری دانشگاه تهران) مبین اهمیت و ضرورت

مطالعات تخصصی به منظور آسیب‌شناسی و ارائه راهکارهای علمی و عملی جهت بهبود وضعیت آموزش معماری است. تاکنون تعدادی مقاله و رساله پایانی در خصوص آموزش معماری از منظرهای مختلف به نگارش در آمده است، که به فراخور موضوع به بررسی جنبه‌ها و مبانی نظری، شیوه‌های آموزش طراحی و... پرداخته‌اند: رساله‌های «بازتدوین شیوه آموزش تحصیلات تکمیلی معماری براساس رویکرد سیستمی (کارشناسی ارشد معماری منظر) به قلم احمدرضا کشت کارقلاتی در دانشگاه تربیت مدرس» که در آن درصد اثبات تأثیر رویکرد سیستمی در افزایش کارایی سیستم آموزش دوره کارشناسی ارشد معماری منظر بوده است و به بررسی و نقد مشکلات آموزش، براساس تحلیل رابطه اجزا و کل پرداخته و مدل طراحی

بینش معرفی کرد. توانش، مجموعه‌ی علایق، قابلیت‌ها و توانایی‌های دانشجوی است که به صورت بالقوه است و باید در طول آموزش معماری بالفعل شود. دانش، مجموعه‌ای از علوم و دانستنی‌های عرصه‌ی معماری اعم از فنی و هنری و تاریخی و... است. بینش سمت‌وسوی به کارگیری توانش‌ها و دانش‌ها را در آفرینش اثر معماری روشن می‌کند (حجت، ۱۳۸۹، ۲۲).

بر این اساس، با کاوش در منابع علمی و مشورت با صاحب‌نظران، شاخص‌هایی برای هر مؤلفه دانش، توانش و بینش تدوین گردید. پس از تدوین بنیان‌ها و شاخص‌ها، به تهیه و توزیع پرسشنامه جهت تکمیل توسط استادان، دانش‌آموختگان و مهندسیین مشاور و دانشجویان جهت درستی آزمایشی شاخص‌ها، اقدام گردید. در مجموع دانش مورد نیاز معمار به این شرح در ۵ دسته بیان می‌شوند: ۱- مسائل فنی و ساختمانی، ۲- سیستم‌های سازه‌ای، ۳- تاریخ معماری و سبک‌شناسی، ۴- نظارت و اجرا و ۵- سایر. دانش‌های مرتبط، از قبیل: مدیریت (مالی-پرسنلی)، فن مرمت،

جدول ۱- مهارت‌های مورد نیاز معمار.

فن نگارش	مهارت ارائه
ارائه شفاهی	
ارائه دستی و نرم افزاری	
پرزاتنه	مهارت اجتماعی
مباحثه	
روحیه همکاری و کار تیمی	
ارتباطات با ارگانهای اداری، موسسات/کارفرمایان	
ارتباطات با مردم و گروه‌های متنوع	
ارتباطات با تکنسین‌ها و نیروهای کارگاهی/ همکاران و مهندسیین دیگر رشته‌ها	مهارت طراحی
توانایی درک مفهومی طراحی	
توانایی فنی (کارگاهی و اجرایی)	
ساماندهی اندیشه‌های خود	مهارت مدیریتی
مدیریت و هماهنگی تیم خود	
مدیریت پروژه	مهارت تجزیه و تحلیل
مهارت تحقیق (جمع‌آوری و بررسی اطلاعات و...)	
مهارت‌های تکنیکی (آشنایی با نرم افزارها و...)	
مهارت‌های تحلیلی (تحلیل کمی و کیفی)	
ارزیابی و ارائه راهکار	
توانایی تلفیق و ادغام چند راهکار	

شیوه آموزش را ارائه نموده است و مقالات «تحلیل محتوای سرفصل دروس معماری منظر مبتنی بر نگرش سیستمی در آموزش و طراحی منظر (فیضی و اسدپور، ۱۳۹۲)»، سرفصل دروس کارشناسی ارشد معماری منظر در دو رویکرد کمی و کیفی براساس پایه‌های ۹ گانه آموزش سیستمی در معماری منظر که توسط ماتلاک پیشنهاد شده، بررسی نموده است. «رویکردی اسلامی به طراحی مدل ساختارمند نظام آموزش معماری (اسلامی و قدسی، ۱۳۹۲)»، بررسی سامانه آموزشی فعلی و لزوم سیاستگذاری مناسب براساس جهان‌بینی اسلامی در برنامه‌ریزی آموزشی رشته معماری اشاره شده است. از جمله این موارد است. اما در خصوص مقایسه تطبیقی در آموزش عالی مقالاتی از جمله «بازنگری تطبیقی برنامه آموزش پایه طراحی در دوره کارشناسی معماری (غریب‌پور و توتونچی مقدم، ۱۳۹۲)» با هدف مقایسه تطبیقی برنامه‌ی دوره‌ی پایه در دانشگاه‌های اصلی کشور و دانشگاه‌های معتبر خارجی نگارش یافته است که طول دوره‌ی آموزش معماری و به تبع آن طول دوره‌ی آموزش پایه در دانشگاه‌ها و کشورهای مختلف یکسان نیست و تحت تأثیر شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و قوانین حرفه‌ای حاکم در هر کشور می‌باشد و در دانشگاه‌های داخلی و خارجی، طول دوره‌ی پایه حدود یک‌سوم طول کل دوره است. مقاله «نقدی بر سرفصل درسی رشته معماری داخلی از طریق بررسی تطبیقی کارشناسی پیوسته با کردانی و کارشناسی ناپیوسته معماری داخلی (فاطمی و عطائی فر، ۱۳۹۴)» به این نتیجه رسیده است که سرفصل دوره کارشناسی پیوسته به دو دوره کردانی و کارشناسی ناپیوسته تقسیم شده است. نتایج مطالعات «مقایسه تطبیقی آموزش مدرن معماری در کشور ایران و ترکیه (خسروی و بایزیدی، ۱۳۹۴)» نشان می‌دهد، ورود مدرنیته به کشورهایی چون ایران و ترکیه، در زمینه آموزش معماری تحولات چشمگیری را سبب گشت و از آموزش سنتی تبدیل به آموزش مدرن و آکادمیک گشت. در ایران آموزش مدرن معماری در ابتدا بیشتر تحت تأثیر بوزار بوده، در حالی که در ترکیه اثرگذاری معماری آلمان را نیز مشاهده می‌شود. بنا به نتایج پژوهش انجام شده «سارا گیلانی (۱۳۹۰)» با عنوان تفاوت دانشجویان ورودی رشته معماری قبل و بعد از تغییر مقطع تحصیلی این رشته از کارشناسی ارشد پیوسته به ناپیوسته»، تغییر مقطع معماری از کارشناسی ارشد پیوسته به ناپیوسته، موجب شده دانشجویانی با علایق و توانایی‌های متفاوت برای تحصیل در این رشته پذیرفته شوند.

۲- محتوای آموزش معماری

ابتدا باید مشخص نمود از فارغ‌التحصیلان چه انتظاری داریم و آموزش به آنها چه محتوایی باید داشته باشد. رشته معماری تلفیقی از مباحث علوم انسانی، هنر و علوم فنی است. در بعضی از دانشگاه‌های دنیا در دانشکده‌های فنی قرار دارد و در بعضی دیگر در دانشکده‌های هنر. معماری از یک طرف با ساختمان و نکات تکنیکی آن، از یک سو با انسان و روابط فیزیکی و روانی وی و از یک طرف نیز با هنر و زمینه‌های احساسی آن سر و کار دارد. لذا تحقق معماری و انجام آن، نیازمند برخورداری از مجموعه‌ای از معرفت‌ها و دانش‌های گوناگون است. سه بنیان اصلی برای آموزش معماری را می‌توان: توانش، دانش و

(از میان ۲۰ واحد دروس مصوب)، ۳- پروژه‌های طراحی ۱۴ واحد و ۴- دروس اختیاری ۲ واحد. جمع ۳۲ واحد (جدول ۲) (شورای عالی برنامه‌ریزی، ۱۳۷۷، ۱-۲).

۳-۲. کارشناسی ارشد پیوسته معماری

تعداد کل واحدهای درسی شامل ۱۴۳ واحد دروس کارشناسی و ۲۶ واحد دروس کارشناسی ارشد (۱۶۹ واحد) و ۶ واحد تز (رساله نهایی) به شرح: ۱- دروس عمومی ۲۰ واحد، ۲- دروس پایه ۳۴ واحد، ۳- دروس اصلی ۸۹ واحد، ۴- دروس تخصصی ۲۶ واحد، ۵- رساله و طرح نهایی (پایان‌نامه) و ۶- واحد. جمع ۱۷۵ واحد، می‌باشد (جدول ۳) (شورای عالی برنامه‌ریزی، ۱۳۷۵، ۷).

۳-۳. دوره کارشناسی معماری

تعداد کل واحدهای درسی شامل ۱۴۰ واحد به شرح زیر است: ۱- دروس عمومی ۲۰ واحد، ۲- دروس پایه ۲۹ واحد، ۳- دروس اصلی ۶۰

اقتصاد، حسابداری، روانشناسی، حقوق و قراردادها. توانش مورد نیاز معماران شامل مهارت طراحی، مهارت ارائه، مهارت اجتماعی، مهارت مدیریتی، مهارت تجزیه و تحلیل می‌باشد و در (جدول ۱) بیان شده است. همچنین بینش مورد نیاز معمار را می‌توان ویژگی‌های شخصیتی (عدالت- رعایت- قناعت- عدالت اجتماعی- صداقت- نظم و انضباط فکری و رفتاری- تعهد و مسئولیت نسبت به کار خود- اخلاق حرفه‌ای- اعتماد به نفس- احترام به تنوع فرهنگی- درک سازگاری فرهنگی)، حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی و حفظ ارزش‌های ایرانی- اسلامی معرفی کرد.

۳- معرفی و توصیف

۳-۱. کارشناسی ارشد ناپیوسته معماری

تعداد کل واحدهای درسی دوره ۳۲ واحد به شرح زیر است: ۱- دروس پایه (الزامی) ۸ واحد، ۲- دروس تخصصی (انتخابی) ۸ واحد

جدول ۲- دروس کارشناسی ارشد ناپیوسته معماری. مأخذ: (شورای عالی برنامه‌ریزی، ۱۳۷۷، ۴-۵)

نام درس	نام درس	نام درس	نام درس
روش تحقیق معماری	۲	روشهای پیشرفته ساخت	۲
سیر اندیشه های معماری	۲	نظریه های مکان یابی	۲
سازه های سنتی	۲	طرح معماری ۱	۴
سازه های نو	۲	طرح معماری ۲	۴
معماری همساز با اقلیم	۲	حکمت هنر اسلامی	۲
نام درس	نام درس	نام درس	نام درس
مدیریت پروژه	۲	نظریه و روشهای طراحی	۲
رساله و طرح نهایی	۶	برنامه‌ریزی کالبدی معماری	۲
	۲	تنظیم شرایط زمین	
	۲	روان شناسی محیط	
	۲	حقوق معماری	

جدول ۳- دروس کارشناسی ارشد پیوسته معماری. مأخذ: (شورای عالی برنامه‌ریزی، ۱۳۷۵، ۱۱-۱۴)

نام درس	نام درس	نام درس	نام درس
طراحی معماری ۱	۵	معماری جهان ۲	۲
طراحی معماری ۲	۵	معماری معاصر	۲
طراحی معماری ۳	۵	شناخت مواد و مصالح	۳
طراحی معماری ۴	۵	ترکیب ۱	۶
طراحی معماری ۵	۵	ترکیب ۲	۶
روستا ۱	۳	ترکیب ۳	۶
روستا ۲	۳	انسان، طبیعت و معماری	۴
مبانی نظری معماری	۳	هندسه ۱	۲
روش تحقیق	۲	طراحی معماری ۶	۵
معماری اسلامی ۱	۴	طراحی معماری ۷	۵
معماری اسلامی ۲	۲	حکمت و هنر اسلامی	۲
معماری جهان ۱	۲	مبانی نظری مرمت	۲
		عناصر جزئیات ۲	۳
		عناصر جزئیات ۱	۲
		زبان تخصصی	۲
		ریاضیات و آمار	۲
		برداشت از بناهای تاریخی	۲
		هندسه ۲	۴
		مبانی طراحی مجتمع های زیستی	۲
		مبانی طراحی مجتمع های زیستی	۲
		نقشه برداری	۲
		طراحی فنی	۶

جدول ۴- دروس کارشناسی معماری. مأخذ: (شورای عالی برنامه‌ریزی، ۱۳۷۷، ۱-۱۱)

نام درس	نام درس	نام درس	نام درس
مبانی نظری معماری	۳	درک و بیان محیط	۳
آشنایی با معماری جهان	۲	بیان معماری ۱	۲
برداشت از بناهای تاریخی	۳	بیان معماری ۲	۲
آشنایی با معماری اسلامی	۴	مبانی برنامه‌ریزی کالبدی	۲
آشنایی با معماری معاصر	۲	تحلیل فضاهای شهری	۳
نقشه برداری	۲	آشنایی با مرمت ابنیه	۳
تنظیم شرایط محیطی	۲	حقوق معماری	۲
تاسیسات الکتریکی	۲	اخلاق معماری	۲
تاسیسات مکانیکی	۲	تعمیر و نگهداری ساختمان	۲
ایستایی	۲	روش تحقیق	۲
مقاومت مصالح سازه فلزی	۲	زبان تخصصی	۲
هندسه کاربردی	۳	ایران شناسی	۲
کارگاه مصالح و ساخت	۲	معماری جهان اسلام	۲
انسان طبیعت معماری	۲	سازه های بتنی	۳
مقدمات طراحی معماری ۱	۵	متره و برآورد	۲
مقدمات طراحی معماری ۲	۵	مدیریت و تشکیلات کارگاهی	۲
طراحی معماری ۴	۵	مصالح ساختمانی	۲
طراحی معماری ۵	۵	ساختمان ۱	۳
طراحی فنی	۳	ساختمان ۲ و گزارش کارگاه	۳
طرح نهایی	۶	روستا ۱	۲
تاریخ شهرهای ایران	۲	روستا ۲	۲
آشنایی با سایر هنرها	۲	طراحی معماری ۱	۵
سازه های نو	۲	طراحی معماری ۲	۵
فرایند و روشهای معماری	۲	طراحی معماری ۳	۵
کاربرد کامپیوتر در معماری	۲	هندسه مناظر و مرایا	۲
دروس سایر رشته هنر	۳	ریاضیات و آمار	۲

زمینه‌ای حاصل بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های دو دوره در یک حوزه موضوعی خاص بوده و پس از درک و شناخت ابعاد مختلف واحدهای تحلیل (کارشناسی ارشد پیوسته و ناپیوسته) می‌توان به یک نظریه یا دیدگاه عمومی دست یافت. در مطالعه حاضر، در مرحله اول، اطلاعات به دست آمده در مورد محتوای آموزش معماری، رسالت و اهداف برنامه توصیف شدند. سپس در مورد آنها تفسیرها و نظرات صاحب‌نظران و دانش‌آموختگان اخذ گردید. پس از هم‌جواری، مقایسه انجام شد. برای این منظور اقدام به تهیه و توزیع پرسشنامه جهت تکمیل توسط استادان، دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد پیوسته، دانش‌آموختگان غیر پیوسته، کارفرمایان (مهندسين مشاور معماری که هر دو گروه مورد مطالعه را به کار گرفته‌اند) و دانشجویان گردید و در ادامه با انجام ۱۴ مصاحبه عمیق با صاحب‌نظران حیطة آموزش معماری (استادان با سابقه تدریس در هر دو مقطع دانشگاه‌های با سابقه) اطلاعات لازم جهت مقایسه جمع‌آوری گردید. جهت انجام تحقیق دانشگاه‌هایی که سابقه برگزاری هر دو دوره، کارشناسی ارشد پیوسته و کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته را داشتند انتخاب شدند. با این دیدگاه و همچنین براساس سطح بندی دانشگاه‌ها توسط وزارت علوم؛ دانشگاه‌های تهران - شهید بهشتی - علم و صنعت - هنر تهران - هنر اصفهان و شیراز به صورت هدفمند انتخاب شدند. بر این اساس از ۶۶ فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی ارشد پیوسته و ۶۶ کارشناس ارشد ناپیوسته از دانشگاه‌های اشاره شده (از هر دانشگاه حداقل ۱۰ نفر) پرسشنامه جمع‌آوری شد. همچنین با مراجعه به دانشگاه‌های ذک

واحد، ۴- دروس تخصصی ۲۷ واحد و ۵- دروس اختیاری ۴ واحد. جمع ۱۴۰ واحد (شورای عالی برنامه‌ریزی، ۱۳۷۷، ۷) (جدول ۴).

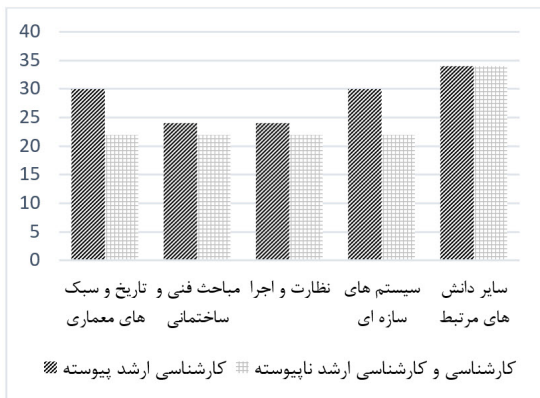
۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی به شیوه توصیفی - تطبیقی است که با استفاده از روش جرج زداف بردی^۲ (Beredy, 1966) انجام شد. از الگوهای مورد استفاده در مطالعات تطبیقی، الگوی بردی است. این الگو شامل چهار مرحله: توصیف^۳، تفسیر^۴، هم‌جواری^۵ و مقایسه^۶ است (آقازاده، ۱۳۸۹). براساس این الگو، در مرحله توصیف وضعیت مورد مطالعه براساس شواهد و اطلاعات به دست آمده از منابع مختلف توصیف می‌شود. در مرحله تفسیر اطلاعاتی که در مرحله نخست توصیف شده بود، مورد بررسی و تفسیر قرار می‌گیرد. در مرحله هم‌جواری براساس اطلاعات به دست آمده در مراحل اول و دوم طبقه‌بندی و سازماندهی اطلاعات لازم انجام شده و اطلاعات در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و در نهایت، در مرحله مقایسه، مسأله تحقیق در زمینه شباهت‌ها و تفاوت‌ها، مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته و به گزاره‌های تحقیق پاسخ داده می‌شود. روش تطبیقی عمدتاً دارای ماهیت کیفی بوده و در آن داده‌های قابل مقایسه حداقل در دو جامعه مورد استفاده قرار گرفته و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها مقایسه می‌شوند. از سوی دیگر، منطق پژوهش با مطالعات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای^۷ نیز هماهنگی دارد و پژوهش برای اثبات فرضیه‌ای از پیش تعیین شده انجام نمی‌شود (استراوس و کربین، ۱۳۹۰). به تعبیر دیگر، نظریه

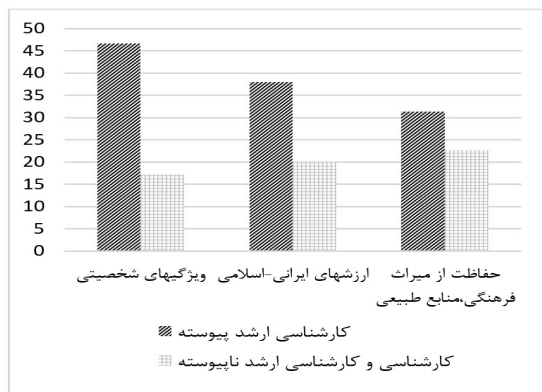
منتخب و نظرات دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته دانشگاه‌های فوق به وسیله پرسشنامه مشابه اخذ شد و از استادان با سابقه عضو هیأت علمی دانشکده‌های معماری که سابقه تدریس در دوره‌های کارشناسی ارشد پیوسته و کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته را دارند، مصاحبه به عمل آمد (استادان گروه اول).

۵-۱. دیدگاه استادان گروه دوم

نتایج بررسی پرسشنامه استادان گروه دوم در سه حوزه دانش، توانش و بینش، در (نمودارهای ۱، ۲ و ۳) ارائه می‌شود: از دیدگاه این استادان، دانش‌آموختگان دو دوره مورد بحث در بخش‌های مختلف حوزه دانش از توانایی تقریباً یکسانی برخوردارند، (نمودار ۱) که به نظر می‌رسد این موضوع به دلیل افزایش کتب و مقالات و رشد تکنولوژی و امکان دسترسی آسان به دانش مورد لزوم دانشجویان در دوران اخیر می‌باشد. اما با توجه به (نمودار ۲) در بحث توانش برتری با دوره کارشناسی ارشد عنوان نموده‌اند که این برتری در مهارت مهم طراحی قابل توجه بیان شده است. (نمودار ۳) نشان می‌دهد در تمام بخش‌های حیطة بینش، دوره کارشناسی ارشد پیوسته کاملاً موفق‌تر است. با توجه به اهمیت کسب بینش برای دانشجوی معماری، توجه به این موضوع اجتناب‌ناپذیر است. نکات بیان شده توسط این استادان در سؤالات پرسش باز مربوط به قوت و ضعف دو دوره در (جدول ۵) بیان شده است: پیوستگی آموزش، تربیت بهتر دانشجوی، جذب ورودی‌های قوی‌تر و باانگیزه‌تر،



نمودار ۱- مقایسه حیطة دانش از منظر استادان گروه دوم.



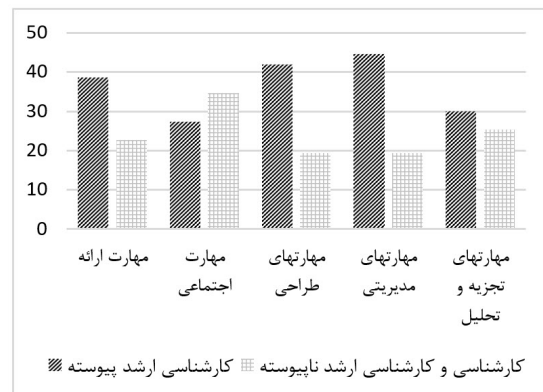
نمودار ۲- مقایسه حیطة بینش از منظر استادان گروه دوم.

شده، از تعداد ۱۱۸ دانشجوی سال آخر کارشناسی و ۱۱۸ دانشجوی سال آخر کارشناسی ارشد (از هر دانشگاه حداقل ۱۹ نفر) پرسشنامه اخذ گردید. نظرات ۵۶ مدرس دانشگاه که خود فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی ارشد پیوسته بوده و اکنون در دوره‌های ناپیوسته مشغول به تدریس می‌باشند به وسیله پرسشنامه اخذ گردید. جهت سنجش کیفیت فعالیت حرفه‌ای دانش‌آموختگان به مهندسين مشاور معماری (کارفرما) با گرایش‌های مختلف که هر دو گروه مورد مطالعه را به کار گرفته‌اند، مراجعه و تعداد ۵۶ پرسشنامه جمع‌آوری گردید.

برای تدوین پرسشنامه‌ها، ابتدا تعداد زیادی شاخص یا سنجح استخراج و سپس در قالب ۳ مؤلفه (دانش، توانش و بینش) تدوین شدند و پس از مشورت و مصاحبه با صاحب‌نظران امر، تعداد سنجح‌ها تعدیل و اصلاح شدند. در پرسشنامه‌ها جهت اخذ دیدگاه استادان هیأت علمی ۴۸ شاخص (سنجح)، تدوین شد، که پس از مشورت به ۳۹ شاخص تقلیل یافت. در پرسشنامه کارفرمایان از ۴۴ شاخص به ۳۴ شاخص رسیدیم. همچنین ۴۳ شاخص برای پرسشنامه فارغ‌التحصیلان و ۴۰ گزینه برای دانشجویان تدوین شد. پس از ارزیابی روایی و پایایی و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها به تحلیل آن پرداخته شد. برای این منظور، در دوره کارشناسی ارشد پیوسته برای هر پاسخ کاملاً موافقم ۱ نمره، برای موافقم ۰/۷۵ نمره و همین‌طور برای دوره ناپیوسته در نظر گرفته شد.

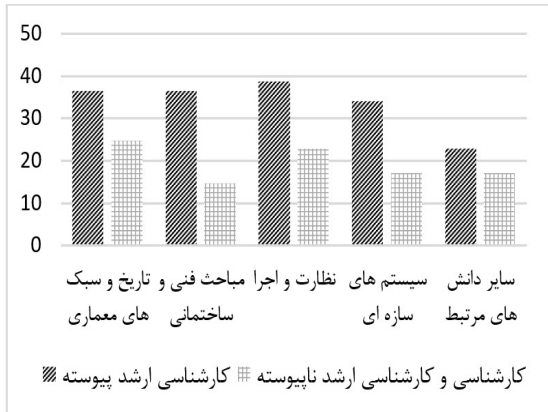
۵- یافته‌ها

جهت انجام تحقیق، نظرات استادانی که خود تحصیل کرده دوره‌های کارشناسی ارشد پیوسته بودند و در دوره‌های ناپیوسته فعلی مشغول به تدریس هستند توسط پرسشنامه اخذ گردید (استادان گروه دوم). بدین منظور پرسشنامه‌ای در مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت (از طیف کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) جهت مقایسه کیفیت دوره و میزان دانش، توانش و بینش دانش‌آموختگان دو دوره توزیع گردید. همچنین در پرسشنامه جهت ارائه نظرات تکمیلی و سنجش دقیق‌تر سه سؤال پاسخ باز و سؤالی برای ارائه نظرات و پیشنهادات تکمیلی تعبیه شد. مشابه پرسشنامه فوق (با تغییرات لازم جهت تعیین کیفیت توانمندی حرفه‌ای) بین کارفرمایان (مهندسين مشاور) که دانش‌آموختگان هر دوره شیوه را به کار گرفته بودند، توزیع و جمع‌آوری شد. دیدگاه فارغ‌التحصیلان دو شیوه از دانشگاه‌های

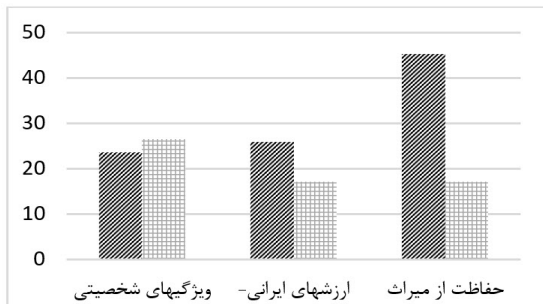


نمودار ۳- مقایسه حیطة توانش از منظر استادان گروه دوم.

کارشناسی‌ارشد پیوسته را کاملاً موفق‌تر دانسته‌اند و مشابه دیدگاه استادان گروه دوم در مهارت طراحی این میزان برتری چشمگیر است. در مؤلفه بینش، کارشناسی‌ارشد پیوسته را در دو بخش حفاظت از میراث فرهنگی و منابع طبیعی، ارزش‌های اسلامی-ایرانی، برتر عنوان کرده‌اند و در بخش ویژگی‌های شخصیتی هر دو گروه را در یک سطح ارزیابی نموده‌اند (نمودار ۴). در مجموع، کارفرمایان حتی بیشتر از استادان گروه دوم، دوره پیوسته را موفق‌تر دانسته‌اند.



نمودار ۴- مقایسه حیطه دانش از منظر کارفرمایان.

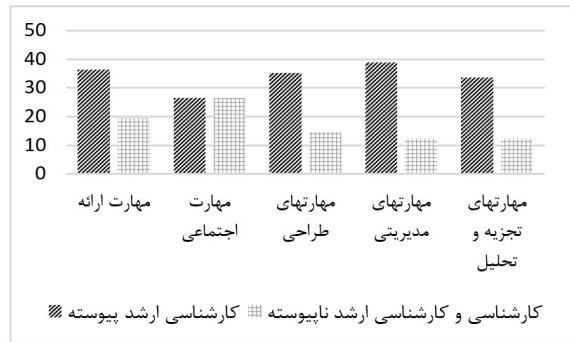


نمودار ۶- مقایسه حیطه بینش از منظر کارفرمایان.

عدم تکرار مباحث در کارشناسی و ارشد از مزایای دوره پیوسته بیان نموده‌اند. و ورود دیرتر به بازار کار، ضعف در پژوهش از معایب این دوره برشمرده‌اند. مباحثی مانند دوگانگی آموزش در دوره کارشناسی و ارشد، عدم شناخت جامع از معماری، کنکوری آموختن معماری در دوران کارشناسی، ضعف در مباحث شهرسازی، مرمت، سازه و تأسیسات از معایب عمده دوره ناپیوسته ذکر کرده‌اند.

۵-۲. دیدگاه کارفرمایان

در مؤلفه دانش، کارفرمایان (مهندسين مشاور که هر دو گروه دانش‌آموخته را به کار گرفته‌اند)، بر خلاف استادان که هر دو دوره را مشابه ارزیابی کرده بودند، برتری را با دوره کارشناسی‌ارشد پیوسته دانسته‌اند. این برتری در مسائل فنی-ساختمانی، نظارت-اجرا، بسیار بالاتر است (نمودار ۴). با توجه به اینکه معمولاً بهترین و دقیق‌ترین شیوه ارزیابی از توانایی فنی و اجرایی معماران از طریق مشاوران و کارفرماها خواهد بود، این برتری دوره کارشناسی‌ارشد پیوسته قابل توجه است. مطابق (نمودار ۵)، در بحث توانش، نیز دوره



نمودار ۵- مقایسه حیطه توانش از منظر کارفرمایان.

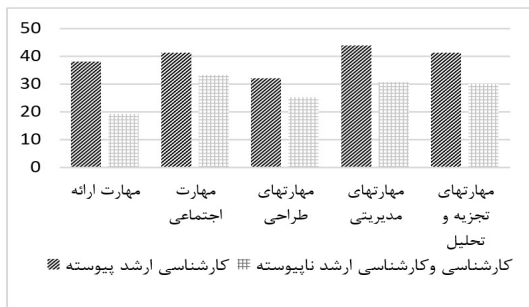
جدول ۵- نظرات استادان گروه دوم در خصوص نقاط قوت و ضعف دو شیوه.

کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته	کارشناسی ارشد پیوسته	
امکان ورود سریع‌تر به محیط کسب و کار	پیوستگی و یکپارچگی آموزش	نقاط قوت
امکان تجربه دانشگاه دیگر در دوره ارشد	عدم تکرار مباحث در کارشناسی و ارشد	
	تمرین‌های مختلف طراحی	
	مسئولیت پذیرتر بودن در قبال رشته معماری	
	کار گروهی بهتر	
	تربیت بهتر دانشجوی	نقاط ضعف
	جذب ورودی‌های قوی‌تر	
دوگانگی آموزش در دانشگاه‌های مختلف کارشناسی و ارشد	کسالت بار شدن مدت طولانی دوره	
اکثر دانشجویان از اواسط دوره کارشناسی به دنبال قبولی در ارشدند	ضعف در پژوهش (حرفه‌ای تربیت شدن دانشجویان تا پژوهشی)	
تجربه ناکافی طراحی معماری در کارشناسی	ورود دیرتر به فعالیت حرفه‌ای	
افزایش زیاد دانشجویان با تبدیل شدن به کارشناسی		
کوتاهی دوره و عدم زمان کافی برای شناخت جامع از معماری		
تستی و کنکوری فهمیدن معماری در کارشناسی		
عدم تناسب طرح‌های معماری با دروس نظری		
ناکافی بودن واحدهای شهرسازی و مرمت		
عدم ایجاد ارتباط با واقعیت‌های اجتماعی		
کارپردی نبودن مباحث مرتبط با سازه، تأسیسات و شهرسازی		

مواردی از جمله؛ پیوستگی مطالب، طول زمان مناسب دوره، روحیه مشارکت و کار گروهی را از مزایای دوره عنوان نموده و ضعف در پژوهش را نقطه ضعف اصلی دوره بیان نموده‌اند. در مقابل دانش‌آموختگان دوره ناپیوسته، ورود زودتر به بازار کار، درک تجربه متفاوت در دوره ارشد را نقطه قوت و مواردی مانند: تفاوت زیاد آموزش در دانشگاه‌های کارشناسی و ارشد، تستی و کنکوری فهمیدن معماری در دوره کارشناسی، کوتاهی دوره، عدم ارتباط مناسب با دانشجویان سال‌های بالاتر و پایین‌تر و استادان، عدم مطرح‌شدن مباحث جدید در دوره ارشد را نقاط ضعف دوره ناپیوسته ذکر کرده‌اند.

۵-۴. دیدگاه دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته

نتایج پرسشنامه دانشجویان کارشناسی در (نمودار ۱۰) بیان شده است. با بررسی (نمودار ۱۱)، نظرات دانشجویان کارشناسی ارشد ناپیوسته مشخص می‌شود میزان نارضایتی آنها از دانشجویان کارشناسی هم



نمودار ۸ - مقایسه حیطة توانش از منظر دانش‌آموختگان.

مطابق (جدول ۶) کارفرمایان در خصوص دوره پیوسته، علاوه بر نقاط قوت ذکر شده توسط استادان، دانش فنی بالاتر را نیز ذکر کرده‌اند و در خصوص معایب دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته به معایبی از جمله؛ غیر اجرایی بودن طرح‌ها، عدم شکل‌گیری شخصیت معماری، ضعف در مباحث شهرسازی، مرمت و مدیریت پروژه اشاره نموده‌اند.

۵-۳. دیدگاه فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد پیوسته و کارشناسی ارشد ناپیوسته

دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد پیوسته نسبت به ناپیوسته، نیز در هر سه بنیان، اعلام رضایت و توانمندی بالاتری داشته‌اند. با توجه به (نمودارهای ۸ و ۹)، این توانمندی در مؤلفه توانش و به خصوص بینش قابل ملاحظه است.

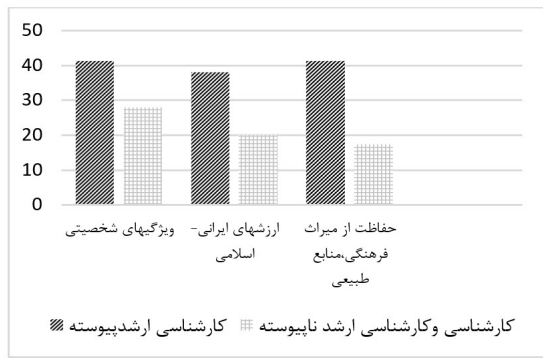
مطابق (جدول ۷)، فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی ارشد پیوسته،



جدول ۶ - نظرات کارفرمایان در خصوص نقاط قوت و ضعف دو شیوه.

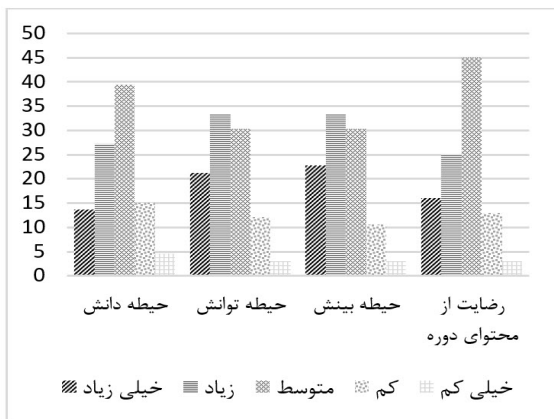
کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته	کارشناسی ارشد پیوسته
امکان ورود سریع‌تر به محیط کسب و کار پس از کارشناسی	استمرار و انسجام آموزش
	جذب ورودی‌های قوی‌تر و آمادگی یادگیری بالاتر
	تعصب بیشتر نسبت به کار
	مسئولیت پذیرتر بودن
	توانایی مشارکت بهتر در کار گروهی
اگر بعد از کارشناسی یک دوره دوساله کارآموزی حرفه‌ای بگذرانند و سپس وارد ارشد شوند قوی‌تر می‌شوند	دانش فنی بهتر
	توانایی بیشتر مدیریت پروژه
	تسلط بیشتر بر مباحث نظری
	ورود دیرتر به فعالیت حرفه‌ای
	فاصله داشتن طرح‌های آن‌ها با اجرا
	ضعف در ارائه پروژه‌ها
فارغ‌التحصیلان شهرستان‌ها ضعیفند	عدم شکل‌گیری شخصیت معماری
	ضعف در مباحث شهرسازی و مرمت
	ناتوانی در مدیریت پروژه
	عدم شکل‌گیری شخصیت معماری
	ضعف در مباحث شهرسازی و مرمت

مقایسه تطبیقی دوره کارشناسی ارشد پیوسته با کارشناسی ارشد ناپیوسته معماری در ایران از دیدگاه استادان، کارفرمایان و دانش‌آموختگان

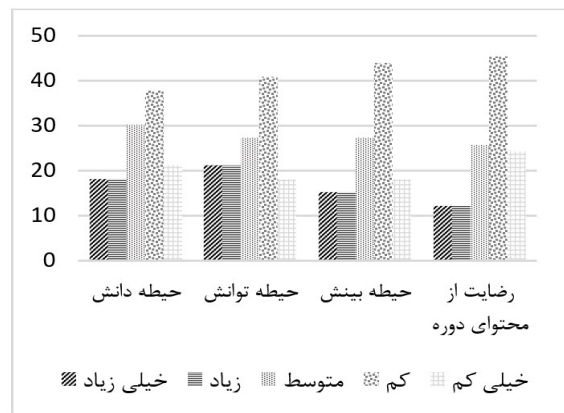


نمودار ۹- مقایسه حیطه بینش از منظر دانش‌آموختگان.

بالتر است که شاید نشان دهنده آن است که با تغییر سطح مقطع از کارشناسی به کارشناسی ارشد معماری، سطح آگاهی و عمق آن نزد دانشجویان تغییر نمی‌کند. (نمودار ۱۲) نشان می‌دهد کارشناسان ارشد پیوسته نسبت به دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته اعلام رضایت بالاتری از محتوای آموزشی دوره خود دارند. دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته، کوتاه بودن دوره، تمرکز زیاد بر کنکور ارشد، عدم ارتباط مناسب با دانشجویان سال‌های بالاتر و پایین‌تر و استادان، عدم مطرح شدن مباحث جدید در دوره ارشد، کمبود دروس فنی، جامعه‌شناسی، فلسفه، شهرسازی و... را نقاط ضعف دوره ناپیوسته ذکر کرده‌اند (جدول ۸).



نمودار ۱۱- نتایج نظرسنجی از دانشجویان کارشناسی ارشد ناپیوسته.



نمودار ۱۰- نتایج نظرسنجی از دانشجویان کارشناسی.

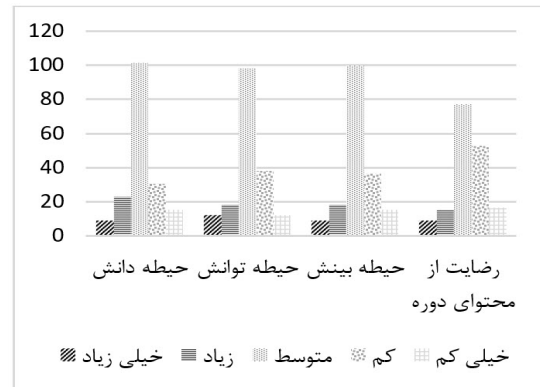
جدول ۷- نظرات دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد پیوسته و کارشناسی ارشد ناپیوسته معماری در خصوص نقاط قوت و ضعف دو شیوه.

نقاط قوت	کارشناسی ارشد پیوسته	کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته
پیوستگی مطالب	ارتباط مناسب دروس عملی و تئوری	امکان ورود سریع‌تر به محیط حرفه‌ای پس از کارشناسی
مدت زمان مناسب دوره برای آموختن معماری	مدت زمان مناسب دوره برای آموختن معماری	امکان ورود به دانشگاه دیگر در ارشد جهت درک تجربه متفاوت به چالش کشیدن دانشجو برای موضوعات پژوهشی
اتلیه‌های طراحی محور آموزش	روحیه مشارکت و کار گروهی مناسب	
تنوع دروس طراحی و تعداد مناسب دروس طراحی و شهرسازی	تنوع دروس طراحی و تعداد مناسب دروس طراحی و شهرسازی	
امکان فعالیت حرفه‌ای در زمان دانشجویی	امکان فعالیت حرفه‌ای در زمان دانشجویی	
توجه ناکافی به مقررات ملی ساختمان در دوره آموزشی	توجه ناکافی به مقررات ملی ساختمان در دوره آموزشی	اکثر دانشجویان از اواسط دوره کارشناسی به دنبال قبولی در ارشدند
باز بودن سرفصل دروس و عدم هم‌خوانی برخی از آن‌ها با مدت زمان یک ترم	باز بودن سرفصل دروس و عدم هم‌خوانی برخی از آن‌ها با مدت زمان یک ترم	عدم وجود فضای مناسب جهت تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط مناسب با دانشجویان سال‌های بالاتر و پایین‌تر و اساتید
کمبود منابع آموزشی معتبر و قابل استفاده	کمبود منابع آموزشی معتبر و قابل استفاده	تفاوت زیاد آموزش در دانشگاه‌های کارشناسی و ارشد
فاصله داشتن محتوای آموزش با محیط کار حرفه‌ای	فاصله داشتن محتوای آموزش با محیط کار حرفه‌ای	در مقطع ارشد مباحث جدیدی مطرح نشد
عدم اطلاع دقیق دانشجو از شرایط و موقعیت حرفه‌ای	عدم اطلاع دقیق دانشجو از شرایط و موقعیت حرفه‌ای	توجه ناکافی به مسائل روز دنیا مانند پایداری، انرژی، فناوری‌های نوین و...
ناکافی بودن دروس روش تحقیق	ناکافی بودن دروس روش تحقیق	تستی و کنکورهای فهمیدن معماری در دوره کارشناسی
		عدم تناسب دروس عملی با دروس نظری
		عدم ارتباط با دنیای واقعی حرفه‌ای و بی‌توجهی به نیازهای بازار کار
		کوتاهی دوره و عدم زمان کافی برای شناخت جامع از معماری
		بینش محدود نسبت به هویت و فرهنگ و مسائل اجتماعی
		عدم آشنایی دانشجو با کیفیت واقعی معماری
		عدم آموزش ضوابط طراحی (مقررات ملی ساختمان)
		تجربه ناکافی طراحی معماری و دروس عملی

شهری شناخت پیدا، تحلیل و طراحی می‌کرد در حالی که در دوره فعلی چنین مسأله‌ای اتفاق نمی‌افتد. ابتدا دانشجو باید دوره کامل معماری را بخواند و اول باید یک معمار خوب تربیت شود، بعد وارد گرایش‌های منظر، تکنولوژی و... شود. در اکثر کشورهای پیشرفته دنیا معماری اساس تمام این گرایش‌هاست"

سید غلامرضا اسلامی (دانشگاه تهران)

"دوره کارشناسی از پایه (Intuition) و بعد از آن Science تشکیل شده است. در کارشناسی ارشد Knowledge وجود دارد و در دکتری به Wisdom می‌رسیم. Intuition یعنی اشراف و ذره‌بین شدن. طرح معماری ۱ مدخل ورود به Science است. در این بخش دانشجو باید تمرین کند و درباره چستی‌ها بحث می‌شود و در پایان دوره کارشناسی، دانشجویها تکنسین می‌شوند. در مرحله کارشناسی ارشد دنبال چرایی موضوعات هم هستند و موضوع انسانی‌تر و فرهنگی‌تر می‌شود و در Knowledge پختگی بیشتر می‌شود. در این مرحله تکنولوژیست می‌شوند. یعنی علم این کار را پیدا می‌کنند. در دکتری، ساینتیست^۱ یا آرتیست می‌شوند. یعنی خودشان تولید و ابداع می‌کنند. تبدیل دوره کارشناسی ارشد پیوسته، به کارشناسی باعث شد مهندس و تکنسین تربیت شود که رابط بین معماران اصلی و بناها باشند. تعداد آنها زیاد شد و به آنها حق امضا داده شد. در معماری برخلاف رشته‌های فنی، امکان وصل کردن و پیوند زدن دو مقطع وجود ندارد. اول باید تنه درخت تناور شود بعد شاخه و برگ بزند و چون این دو مقطع پیوند زده نمی‌شود، به اشتباه فکر می‌کنند اگر دکتری بگیرند می‌توانند معمار کامل شوند. در دوره کارشناسی ارشد پیوسته یک معمار تربیت می‌شد و در کارشناسی معمار تربیت نمی‌شود. امروزه سه نوع تحصیلات تکمیلی داریم: آموزش محور، پژوهش محور، تخصص محور. شخص



نمودار ۱۲- نتایج نظرسنجی از فارغ التحصیلان کارشناسی ارشد ناپیوسته.

۵-۵. دیدگاه استادان گروه اول

گزیده‌ای از مصاحبه با استادان به ترتیب حروف الفبا به شرح زیر می‌باشد و خلاصه نظرات ایشان در (جدول ۹) بیان شده است:

علی اصغر ادیبی (دانشگاه تهران)

"امروز که حدود ۴۰ سال از برنامه انقلاب فرهنگی (کارشناسی ارشد پیوسته) می‌گذرد هنوز بهترین برنامه همان برنامه سال ۶۲ بود. در برنامه اول ستاد انقلاب فرهنگی که با مطالعه دانشگاه‌های معتبر دنیا و بررسی زیاد نوشته شد، تمام سلسله‌مراتبی که یک دانشجوی معماری باید طی کند تا معمار خوبی شود، در آن قرار داشت و برنامه جامعی بود. نتایج آنرا در فارغ التحصیلان می‌توان دید. تبدیل شدن دوره ارشد پیوسته به کارشناسی و دو مقطعی شدن آن یک اشتباه بزرگ بود که معماری را از جامع بودنش خارج کرد. به‌طور مثال در برنامه ارشد پیوسته درسی ۵ واحد طراحی شهری وجود داشت که مانند یک طرح معماری بود و دانشجو نسبت به مسائل

جدول ۸- نظرات دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته معماری در خصوص نقاط قوت و ضعف دوره آموزشی.

کارشناسی	کارشناسی ارشد ناپیوسته	
نقاط قوت	-	
نقاط ضعف	همه دانشجویان فقط به فکر بالا بردن معدل هستند تا جزء ۱۰٪ اول جهت ورود بدون کنکور به دوره ارشد قرار گیرند	عدم برقراری ارتباط مناسب با دانشجویان سال‌های بالاتر و پایین‌تر و اساتید نبود دروس مرتبط با جامعه‌شناسی، فلسفه، شهرسازی و...
	فاصله داشتن محتوای آموزش با محیط کار حرفه‌ای	عدم ایجاد آمادگی لازم برای حضور در محیط کار
	عدم ایجاد آمادگی لازم برای حضور در محیط کار	کوتاه بودن دوره
	عدم اطلاع دقیق دانشجو از شرایط و موقعیت حرفه‌ای	تفاوت آموزش در دانشگاه‌های کارشناسی و ارشد
	کوتاه بودن دوره	فاصله داشتن محتوای آموزش و محیط کار حرفه‌ای
	تعداد ناکافی واحدهای عملی	عدم ارتباط صنعت با دانشگاه
		عدم تناسب دروس عملی با دروس نظری
		بی توجهی به نیازهای بازار کار
		عدم ارتباط با دنیای واقعی حرفه‌ای
		کمبود دروس فنی
		در مقطع ارشد مباحث جدیدی مطرح نشد
		کم بودن برنامه‌های گروهی

پایان‌نامه خود را انتخاب می‌کرد و در پایان‌نامه می‌توانست با آن گرایش‌ها طراحی و آموزش ببیند و در عمل دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته به اهداف خود نرسید و دوره کارشناسی ارشد پیوسته خیلی موفق‌تر و بهتر بود."

محمدعلی خانمحمدی (دانشگاه علم و صنعت)

"در دوره کارشناسی از دانشجوی معماری انتظار داریم به عنوان یک حرفه‌مند، به بینش، مهارت و دانش فنی لازم دست یابد تا بتواند به نیازهای جامعه در حیطه معماری یک جواب عملی کارشناسانه دهد. درمقطع کارشناسی ارشد، ضمن عمیق‌تر شدن دانش و افزایش مهارت آنها (با تأکید بر بحث پژوهش)، انتظار می‌رود علاوه بر کارهای متعارف، مسائل معماری را به صورت روشمند تحلیل کرده و یافته‌ها را در طرح معماری و مسائل حرفه‌ای منعکس کنند. در دوره کارشناسی ارشد پیوسته، فضا رقابتی‌تر بود و افراد با استعداد، کشش قوی‌تر و ظرفیت‌های بالقوه زیادی (نسبت به ورودی‌های ناپیوسته فعلی) به معماری وارد می‌شدند. در کارشناسی ارشد پیوسته، یک تجربه یکپارچه و مثبت برای دانشجوی به وجود می‌آمد و این یکپارچگی نقطه قوت برای دوره محسوب می‌شد. ولی برخی از دانشجویان با توجه به عدم شناخت کافی از این رشته در این دوره وارد فرایند شش - هفت‌ساله می‌شدند و استعدادشان در این مدت مستهلک می‌شد. دوره ناپیوسته این مزیت را دارد که کسانی بتوانند وارد بازار کار شوند و سایر افراد نیز در کنکور شرکت نموده و ادامه دهند. اما در خصوص پیوستگی و هماهنگی دو مقطع باید بیشتر بررسی و فکر شود."

اصغر ساعدسمیعی (دانشگاه تهران)

"یکی از ایرادات دوره کارشناسی نسبت دروس تئوری بیش از عملی است و تنها ۵ درس پروژه طراحی وجود دارد (۲۵ واحد در مقابل ۱۴۲ واحد). همچنین سیستم آتلیه‌ای که برچیده شد، دانشجویان به صورت مجرد رشد می‌کنند. اما در خصوص بحث کارشناسی ارشد پیوسته و ناپیوسته، بعضی از دروس نمی‌تواند به صورت ۱ و ۲ اجرا گردد، مثلاً در رشته پزشکی نمی‌توان آن را به لیسانس و فوق لیسانس و دکتری تقسیم کرد و مثلاً پوست را در کارشناسی درس داد و قلب را در کارشناسی ارشد. این کلا یک بدن است. در معماری هم همین‌طور است. دوره کارشناسی ارشد پیوسته موفق‌تر بود و نباید جدا باشد. امروز در اروپا هم دوره کارشناسی شده به این خاطر امروزه در اروپا هم یک آرشیتکت جوان موفق نمی‌بینیم. منتهی در آنجا معماران جوان در دفاتر کار می‌کنند و بعضی از آنها چهره می‌شوند. ولی در آنجا نیز آموزش دچار مشکل شده است."

حسین سلطان زاده (دانشگاه آزاد اسلامی)

"سال‌هاست که فضای دوره کارشناسی مشابه دبیرستان‌ها شده است که بخشی به خاطر سیاست وزارت علوم مبنی بر مطرح شدن اهمیت نمره و معدل می‌باشد که شرط معدل برای حضور در مقطع بالاتر (بدون آزمون) لطمه بزرگی به معماری و سایر هنرها که کارها کیفی می‌باشد (و با نمره کمی قابل ارزیابی نمی‌باشد)، وارد کرد. نکته دیگر این که دوره ۴ ساله دوران نسبتاً کوتاهی است که فرد

در دوره کارشناسی ارشد پژوهش محور می‌شود، لازم نیست طراحی کند، بعد او وارد دکتری می‌شود ولی این فرد در اصل معمار نیست. اصل و ستون فقرات، معماری است و آنقدر جسارت به خرج داده‌اند که معماری-معماری را حذف کرده‌اند. گرایش‌ها با رشته متفاوتند. موضوعات معماری گرایش هستند نه رشته. رشته معماری داخلی، منظر و... به هویت کلی معماری ضربه می‌زند."

حمیدرضا انصاری (دانشگاه تهران)

"در دوره کارشناسی فعلی حجم واحدها خیلی کم‌تر شده است و در بسیاری حوزه‌ها که معماری باید با آنها در ارتباط باشد، آموزش داده نمی‌شود. حوزه‌هایی مثل طراحی شهری که به وسیله آن جایگاه اثر در بافت را درک می‌کردند، در دوره ارشد پیوسته به جد می‌آموختند، در سیستم فعلی از حوزه طراحی خارج شده است و همین‌طور در حوزه‌های فنی حجم دروس کاهش یافته است و اینها باعث کاهش توانایی فارغ‌التحصیلان فعلی شده است. در بخش دوم، دانشجویان ارشد پیوسته با فراغ بال آموزش می‌دیدند. نگرانی برای کنکور نداشتند. به راحتی شاغل می‌شدند و ارتباط مؤثر با حرفه خیلی بهتر از فارغ‌التحصیلان امروزی بود. در دوره کارشناسی فعلی طول دوره حدود ۴ است. که با توجه به آماده شدن سال آخر برای کنکور ارشد، عملاً طول مؤثر دوره به ۳ سال کاهش می‌یابد (۳ سال در مقابل ۷ سال). سال اول هم زمانی برای شناخت رشته و فضا است و عملاً زمان جافتادن موضوع برایشان وجود ندارد."

سید جواد امامی (دانشگاه علم و صنعت)

"دوره کارشناسی ارشد یک دوره انتقال به حالت Research Oriented است و فرد باید آمادگی ورود به حوزه تحقیق و آموزش را داشته باشد. در دوره کارشناسی ارشد پیوسته مشکلی که وجود داشت طولانی شدن دوره، ورود معماران به حوزه کار را با تأخیر مواجه میکرد. در حالی که می‌توانستند در حوزه کارشناسی خدمات ارائه دهند. اما دستاورد آن عمیق‌تر و کامل‌تر فهمیدن مباحث معماری برای دانشجویان بود و فارغ‌التحصیلان با دست پرتر وارد حرفه می‌شدند. البته چون معیار سنجش، کار حرفه‌ای است، به نظر کارشناسی کفایت می‌کند."

احمد امین پور (دانشگاه هنر اصفهان)

"در دوره کارشناسی ارشد پیوسته، دانشجوی شناخت مناسبی از استادان و محیط پیدا می‌کرد و استادان نیز به شناخت خوبی از دانشجویان دست می‌یافتند. این شناخت متقابل به آموزش و نتیجه کار خیلی کمک میکرد. با تعداد مراکز زیادی که در سراسر کشور به وجود آمده، اکثر دانشجویان در دوره ارشد نیز پذیرفته می‌شوند. در دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته، دانشجویان مختلف از دانشگاه‌های متفاوت با آموزش‌های بسیار متفاوت، پذیرفته می‌شوند و تا مقدمات هماهنگی دانشجویان فراهم شود، دانشجویان به پایان‌نامه رسیده است. یکی از اهدافی که برای مزیت شیوه جدید گفته شده، این بود که در گرایش‌های مختلف آموزش داده شود. ولی در عمل این اهداف خیلی کم تأمین شد و در همان دوره کارشناسی ارشد پیوسته نیز تأمین می‌شد و دانشجویان با توجه به علاقه و توانایی خود، موضوع

که این تعداد واحد را می‌گذرانند، می‌توانند به حرفه معماری وارد شوند ولی اجازه امضاء را به آنها نمی‌دهند. درحالی‌که در ایران با همین دوره کارشناسی به جامعه حرفه‌ای وارد می‌شوند. امروزه در اکثر کشورهای دیگر دوره کارشناسی ارشد پیوسته وجود ندارد. اما طول دوره‌های کارشناسی در دیگر کشورها دوره‌های ۵ ساله است."

صدیقه مسائلی (دانشگاه تهران)

"مهم‌ترین نقاط قوت کارشناسی ارشد پیوسته معماری، تناسب و پیوستگی واحدهای تئوری و عملی در هر ترم بود، فارغ‌التحصیلان هنگام اتمام دوره تحصیلی توانایی کار در زمینه‌های معماری، شهرسازی و مرمت دارند. ضعف اصلی دوره کارشناسی معماری در تجربه کم طراحی معماری به علت گذراندن طرح‌های معماری محدود (۵ طرح معماری)، کم‌بودن تعداد واحدهای شهرسازی و مرمت، عدم تناسب طرح‌های ۵ واحدی با دروس عملی-نظری است. به نظر می‌رسد که دوره کارشناسی ارشد پیوسته در مجموع موفق‌تر بود. در آن برنامه مثلاً دانشجوی در ترمی که درس‌های مربوط به شهرسازی را می‌خواند، درس طرح ۶ هم به مسائل شهری مربوط بود. یا زمانی که دروس مرمت می‌خواند، درس طرح ۷ هم به موضوع بافت اختصاص داشت."

مهدی معینی (دانشگاه هنر اصفهان)

"کارشناسی ارشد پیوسته معماری، تنها دوره ارشد پیوسته در رشته ریاضی و فیزیک بود و بهترین و نخبه‌ترین دانش‌آموزان به دلیل ارشد بودن این رشته را انتخاب می‌کردند. دوره ارشد پیوسته حداقل ۷ سال بود و پایان‌نامه در آن، بیشتر از دیدگاه طراحی بود تا کار پژوهشی، که بتواند از درون آن مقاله استخراج کند. در دوره ناپیوسته بیشتر دنبال استخراج مقاله از پایان‌نامه هستند که معمولاً به انجام نمی‌رسد و کار طراحی ضعیف‌تر می‌شود. در کارشناسی فارغ‌التحصیل کمک طراح باید باشد. ولی در جامعه ما از کاردانی تا دکتری همه می‌خواهند ایده پردازی نمایند و طراحی کنند. معماری فرهنگ‌ساز است و یک معمار محصولش کار فرهنگی است و باید به حد قابل قبولی برسد که بتواند برای آینده فرهنگ بسازد. مسأله بعدی این است که امروزه این رشته تجاری شده است. از زمانی که تبدیل به کارشناسی شد، تعداد بسیار زیادی دانشگاه به خاطر منافع مالی این رشته را دایر کردند و دانشجویان حداقل‌ها را برای ورود به این رشته ندارند. از آن طرف استادان مجرب و خوب هم به تعداد کافی نیست. قبلاً دانشجویان معماری حتی در دوره دانشجویی وارد حرفه می‌شدند، اما امروزه فارغ‌التحصیلان توانایی کار در حرفه را ندارند. امروزه تمامی شرکت‌کنندگان پذیرش می‌شوند و فقط رقابت بر سر محل پذیرش است. با توجه به اینکه در جامعه ما کارکردن براساس گرایش نیست و همه آنها طراحی می‌کنند، گرایش‌های مختلف در ارشد مفید نیست. در ارشد پیوسته قدیم دانشجویان تمام سوابق و اطلاعات خود را جمع می‌کرد و آن را در پایان‌نامه بیان می‌کرد. در ارشد ناپیوسته دانشجوی در پژوهش متوقف می‌شود و به طراحی مطلوب نمی‌رسد و عمدتاً یک گرایش به عنوان پایان‌نامه اضافه می‌کند و تمام تلاشش آن است که بتواند به مفهوم گرایش برسد."

احساس نماید در فضای معماری غرق شود و معماری را احساس کند. در حالی که در دوران کارشناسی ارشد پیوسته دانشجوی کل آموزش را در همان مقطع می‌دانست، که در نتیجه با علاقه و انگیزه آموزش می‌دید. امروزه دانشجوی کارشناسی از سال دوم- سوم به فکر حضور در کنکور کارشناسی ارشد است و این مدرک گزائی باعث شده در دوره کارشناسی ارشد هم به فکر حضور در کنکور دکتری باشد و همواره کوچگر است و خود را در موقعیت جامع و کامل در دوره حرفه‌ای احساس نمی‌کند. دوره کارشناسی ارشد پیوسته به‌طور نسبی موفق‌تر بود."

مصطفی رستمی (دانشگاه هنر اصفهان)

"به دوره کارشناسی ارشد پیوسته دانش‌آموزان ممتاز دبیرستانی وارد می‌شدند و معمولاً اولین اولویت انتخاب آنها در کنکور سراسری رشته معماری بود. فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی ارشد پیوسته، به اطلاعات جامع و کامل‌تری در این دوره نسبتاً طولانی دست پیدا می‌کردند. مزیت دیگر این دوره این بود که هر دانشجویی که به دلایلی نمی‌توانست به تحصیل خود ادامه دهد، غربال گردیده و به‌اخذ مدرک کارشناسی اکتفا می‌کرد. حسن دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته این است که دوره کوتاه مدت چهارساله برای افرادی که تصمیم دارند زودتر وارد کار حرفه‌ای شوند با اخذ مدرک کارشناسی میسر است و پس از اخذ مدرک لیسانس صرفاً علاقمندان می‌توانند مجدداً با شرکت در کنکور سراسری کارشناسی ارشد ادامه تحصیل دهند. اما در این دوره برای ورود به مقطع کارشناسی، اکثر دانشجویان متوسط به پایین از نظر سطح معلومات خواهان ورود به این رشته هستند که به راحتی و با کسب امتیاز حداقلی در این رشته مشغول می‌شوند. فارغ‌التحصیلان کارشناسی غالباً از داشتن معلومات لازم برای ادامه کار حرفه‌ای برخوردار نمی‌باشند و توان علمی اکثر آنها در حد نیروی نقشه‌کش می‌باشد. مگر این که بعضی از آنها بر اثر گذشت زمان و کسب تجربه و علاقه‌مندی مفید واقع گردند."

علیرضا عینی فر (دانشگاه تهران)

"دوره کارشناسی یک دوره آموزشی است و کارشناسی ارشد پیوسته معمار حرفه‌ای تربیت می‌کند. تفاوت معماری با سایر رشته‌ها این است که، کارشناسی ارشد در آن رشته‌ها، طی کردن یک دوره تخصصی در زمینه خاصی بعد از اخذ کارشناسی است. ولی در رشته معماری در دوره ارشد یک دوره حرفه‌ای را کامل می‌کند و انتظار تولید دانش نداریم. مثلاً در علوم انسانی و فنی توقع استخراج مقاله از پایان‌نامه‌ها وجود دارد. ولی در معماری پایان‌نامه یک پروژه خیلی سنگین طراحی است، که شخص به کار حرفه‌ای مسلط شود و مسأله پژوهشی خیلی مهم نیست و مقالات این پایان‌نامه‌ها برای تولید دانش نیست. انتقادی که به دوره کارشناسی و ارشد ناپیوسته فعلی وارد است، این است که همان برنامه کارشناسی ارشد پیوسته قدیم را از وسط جدا کرده‌اند و گفته‌اند تا ۱۴۲ واحد آن مربوط به کارشناسی و بقیه مربوط به ارشد باشد که در همان برنامه دروس ارشد دروس ستاره‌دار بود. ولی باید دوره کارشناسی به نحوی تعریف می‌شد که خودش به یک اتمام درست و یک نتیجه‌گیری کامل دست می‌یافت. قوانین نظام مهندسی در تمام کشورها به‌گونه‌ای است که کسانی

جدول ۹- نظرات استادان گروه اول در خصوص نقاط قوت و ضعف دوره آموزشی.

کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته	کارشناسی ارشد پیوسته	
ورود به بازار کار پس از اخذ مدرک کارشناسی	استمرار و انسجام آموزش	نقاط قوت
امکان انتخاب گرایش‌های مختلف در دوره ارشد	جذب ورودی‌های قوی‌تر و آمادگی یادگیری بالاتر	
	آموزش با فراغ بال و عدم نگرانی جهت کنکور ارشد	
	شناخت مناسب و متقابل دانشجویان از اساتید و محیط و بلعکس	
	احساس مسئولیت و تعصب بیشتر نسبت به رشته	
	امکان تربیت بهتر دانشجویان با توجه به طول دوره	
	محصول کار معمار یک محصول فرهنگی است و باید به حد قابل قبولی برسد	
	آشنایی مناسب با طراحی شهری، مرمت و ..	
	باید یک معمار کامل تربیت شود بعد وارد گرایش‌ها شود	
ورود از رشته‌های مختلف و غیر مرتبط به دوره کارشناسی ارشد	طولانی بودن دوره و صرف هزینه بی‌انگیزگی برخی دانشجویان	نقاط ضعف
کاهش حجم واحدهای شهرسازی، مرمت و دروس فنی و کاربردی نبودن	ورود دیرتر به بازار کار	
ورود فارغ‌التحصیلان کارشناسی از دانشگاه‌های مختلف و با آموزش‌های متفاوت به دوره ارشد	کوتاهی دوره و عدم فرصت کافی برای غرق شدن در فضای معماری	
	کاهش سطح معلومات و توان حرفه‌ای	
	متوقف شدن دانشجویان در بحث پژوهش در پایان‌نامه و عدم فرصت کافی برای طراحی	
	زمان اندک برای گذراندن دوره در دانشکده‌های هنر توسط داوطلب گروه ریاضی	
	در جامعه کار حرفه‌ای بر اساس گرایش‌های مختلف معماری نیست	

حمید ندیمی (دانشگاه شهید بهشتی)

معماری را راه انداختند. به دلیل اینکه در نظام آموزشی ما مدرک مهم است، دوره‌های کاردانی به کلاس کنکور کارشناسی تبدیل شد و دوره‌های کارشناسی به کلاس کنکور کارشناسی ارشد و همینطور کارشناسی ارشد به دکتری. دوره ۴/۵ و ۵ ساله در کشورهای دیگر دنیا هم در حال انجام است، که شخص حرفه‌ای تربیت کند. طبیعتاً در دوره کارشناسی ارشد پیوسته با توجه به حضور ۶-۷ ساله دانشجویان و شناخت مناسب از استادان فرصت بهتری بود. امروز مثلاً دانشجوی ارشد که از دانشگاه شهرستان مدرک کارشناسی گرفته، استادان، کادر اداری و... را نمی‌شناسد. فرصت آشنایی با افراد و برقراری دیالوگ ایجاد نمی‌شود. این فرصت آشنایی در ارشد ناپیوسته اصلاً وجود ندارد و در کارشناسی کمتر. لذا می‌توان گفت در آن شرایط (قدیم) امکان و قابلیت تربیت بیشتر وجود داشت."

سیدعباس یزدانفر (دانشگاه علم و صنعت)

"دانشجویان ورودی به دوره‌های کارشناسی ارشد پیوسته کسانی بودند که با رتبه‌های زیر ۲۰۰ کنکور وارد دانشگاه می‌شدند و قاعدتاً ضریب هوشی بالاتری داشتند. بعضی از آنها اطلاعاتی از معماری نداشتند. چون ضریب هوشی بالایی داشتند خیلی خوب با فضا آدابت می‌شدند. قاعدتاً بین هوش و خلاقیت رابطه وجود دارد. وقتی کارشناسی ارشد پیوسته به کارشناسی تبدیل شد رتبه‌ها حدوداً بین ۸۰۰ تا ۱۵۰۰ تغییر یافت. قبلاً فوق‌دیپلم به عنوان واسطه‌ای میان مهندس (فوق لیسانس) و کارگر بود. امروزه کارگر مستقیم با مهندس در ارتباط است که این ارتباط مناسبی نیست. فارغ‌التحصیلان

"در دوره کارشناسی ارشد پیوسته دانشجویان با همدیگر زندگی می‌کردند. به خصوص در دانشکده‌هایی که ارتباط عمودی بین دانشجویان بیشتر بود. مضافاً اینکه پختگی بیشتری پیدا می‌کردند. البته دلایلی برای تصمیم‌گیری جهت تبدیل دوره ارشد پیوسته به کارشناسی وجود داشت: یکی اینکه در آن زمان تنها دوره‌ای که کارشناسی ارشد پیوسته بود رشته معماری بود و این یک جاذبه (گاهی کاذب) به وجود می‌آورد. بعضی دانشجویان بعد از مدتی متوجه اشتباه در انتخاب این رشته می‌شدند و نظام آموزشی مجبور بود اینها را ۷-۸ سال نگهدارد و این برای دو طرف خسارت بار بود. کارشناس معماری شرح خدماتش مانند کارشناس ارشد نیست و در یک محدوده خاص می‌تواند کار کند و همانطور که از نامش مشخص است کسی است که کار را شناخته، زبان معماری را یاد گرفته، یک مقدار تکنیک آموخته، بنابراین می‌تواند در دفتر مهندسی، به عنوان عضو تیم، در مرحله دیزاین به طراح اصلی کمک نماید. در واقع دستیار طراح است و از ابتدا قرار نبود تمام خدمات مهندس کامل را داشته باشد. کارشناس ارشد ناپیوسته شخصی بود که برای مدیریت فرایند طراحی در نظر گرفته شده بود. تیمی متشکل از کارشناسان به همراه کارشناس ارشد کارها را انجام دهند که لازمه اجرایش پذیرش توسط نظام حرفه‌ای بود و به دلیل انقطاع سیستم آموزش و نظام حرفه‌ای این اتفاق روی نداد و دانشجویان ظرف مدت ۴ سال مهندس شده و پروانه اشتغال می‌گیرد و تعداد زیادی از دانشکده‌ها که صلاحیت اجرای دوره معماری را برای خود قائل نبودند، به راحتی دوره کارشناسی

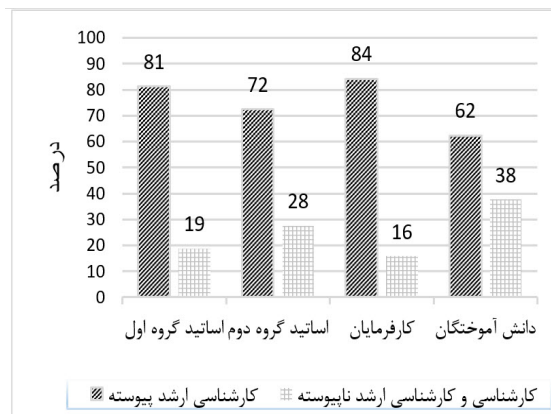
در کار تحقیقاتی مهارت دارند، ولی در طراحی خوب نیستند. درصد نادری در هر دو کار موفق میشوند. امروزه حدود ۹۰٪ دانشجویان ارشد ناپیوسته هر دو تا را هم‌زمان بلد نیستند." از بررسی مصاحبه‌ها با استادانی که سابقه تدریس در هر دو دوره کارشناسی‌ارشد پیوسته و کارشناسی و کارشناسی‌ارشد ناپیوسته را دارند، مشاهده می‌شود ۸۱٪ این استادان دوره کارشناسی‌ارشد پیوسته را مناسب‌تر و موفق‌تر می‌دانند. تحلیل پرسشنامه استادان گروه دوم بیانگر آن است که از نظر ۷۲٪ ایشان، دوره کارشناسی‌ارشد پیوسته جهت تربیت معماران مناسب‌تر است. تعداد ۸۴٪ از کارفرمایان نیز رای به برتری دوره کارشناسی‌ارشد پیوسته می‌دهند (نمودار ۱۳). تنها ۱۸٪ از دانشجویان سال آخر دوره کارشناسی دانشگاه‌های برگزیده از محتوای دوره آموزشی خود اظهار رضایت کرده‌اند، که این میزان در دانشجویان کارشناسی‌ارشد به ۱۶٪ کاهش یافته که شاید بیانگر ناکارآمدی بیشتر دوره کارشناسی‌ارشد ناپیوسته باشد.

نتیجه

دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی‌ارشد ناپیوسته از دوره تحصیلی خود اعلام نارضایتی کرده‌اند. با توجه به تقسیم آموزش معماری به سه بنیان دانش، توانش و بینش، در بُعد دانش، با توجه به افزایش کتب و مقالات و رشد تکنولوژی و امکان دسترسی آسان به دانش مورد لزوم دانشجویان در دو دهه اخیر عملاً تفاوت محسوسی بین دو دوره مورد بحث وجود ندارد. با توجه به ماهیت بینش، انتظار بر ایجاد بینش لازم در دانشجوی معماری، در برآیند کل دوره می‌باشد. دانشجو در یک زندگی عمودی، با الگوقراردادن استادان خویش، ویژگی‌های شخصی، حساسیت نسبت به میراث فرهنگی و منابع طبیعی، حفظ ارزش‌های ایرانی و اسلامی را به نسبتی که درک می‌کند، کسب کرده و مجموعه استادان، فضا، کادر آموزشی، دروس و... در ادراک میزان بینش دانشجو تأثیرگذار است. با توجه به اهمیت بینش در شکل‌گیری معماری، با توجه به یکپارچه‌بودن و طول مدت حضور در دوره کارشناسی‌ارشد پیوسته امکان کسب بینش نسبت به دوره گسسته بیشتر به نظر می‌رسد. در مجموع با توجه به تفاوت ماهوی رشته معماری با سایر رشته‌ها و تأثیرگذار بودن دو مؤلفه توانش و بینش در تربیت معماران و با نظر به شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حاکم بر جامعه امروزی ایران (پس زمینه مهمی که هیچ کدام از عوامل آموزشی و حرفه‌ای بدون در نظر گرفتن آن قابل بحث نیست)، حذف دوره کارشناسی‌ارشد پیوسته، عملاً تجربه موفق برای کشور ایران به شمار نمی‌رود. نکته قابل ذکر دیگر وجود موج مدرک‌گرایی و امکان ارائه خدمات در هر نهاد دولتی و یا شخصی، صرفاً با ارائه مدرک دانشگاهی می‌باشد. آنچه از مطالعات و مباحث حاضر و دیدگاه‌های مطرح شده حاصل می‌شود، چنین می‌نماید که چنانچه هدف تربیت معمار کامل باشد، این مهم در دوره کارشناسی‌ارشد پیوسته می‌تواند حاصل گردد. لذا پیشنهاد می‌شود ضمن احیا مجدد دوره کارشناسی‌ارشد پیوسته و جذب دانش‌آموزان مستعد و توانمند، دوره کارشناسی به صورت محدود

کارشناسی‌ارشد پیوسته بهتر بودند. هدف از تبدیل به کارشناسی این بود که بتوانند در حد کارشناسی مشغول به کار شوند. انتظاری که از یک کارشناس معماری وجود دارد، این است که مقررات ملی ساختمان، ضوابط و استانداردها را بیاموزد و پروژه‌ای در حد کارشناسی انجام دهد. در دفتر معماری کار کند یا کمک آموزشی باشد. انتظاری که از کارشناسی‌ارشد ناپیوسته داریم این است که علاوه بر طراحی کار تحقیقاتی که در خدمت طراحی باشد، انجام دهد و اینطور نباید باشد که فقط ۳ پروژه به ۵ پروژه کارشناسی اضافه شده باشد. در کارشناسی‌ارشد پیوسته قدیم، کار نظری و تحقیقاتی وجود نداشت و صرفاً کار طراحی بود و فارغ‌التحصیلان پروفشنال می‌شدند. این ساختار در خارج از کشور هم وجود دارد و حد معماری کارشناسی‌ارشد است. کارشناسان معماری امروز حرفه‌ای نمی‌شوند و یک فردی است که می‌تواند در دفاتر کار کند. در حال حاضر ۲ گروه فارغ‌التحصیل در دوره کارشناسی‌ارشد ناپیوسته وجود دارد گروهی که طراحی خوب انجام می‌دهند و در کار تحقیقاتی ضعیف هستند. دسته دوم

از دیدگاه غالب استادان گروه اول (در مصاحبه)، با توجه به جذب دانش‌آموزان مستعدتر، ماهیت و تفاوت رشته معماری با دیگر رشته‌ها، کوتاه‌بودن دوره کارشناسی، عدم امکان اتصال مناسب بین مفاهیم ارائه شده در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی‌ارشد ناپیوسته، در عمل فارغ‌التحصیلان کارشناسی‌ارشد ناپیوسته صلاحیت معمار کامل را کسب نخواهند نمود و صرفاً به عنوان کمک طراح امکان فعالیت حرفه‌ای خواهند داشت. از نظر استادان گروه دوم، دو گروه مورد مطالعه از لحاظ برخورداری از دانش تقریباً در سطح برابری هستند. لیکن در دو مؤلفه توانش و بینش کارشناسان‌ارشد پیوسته جایگاه بالاتری دارند و در مجموع دوره کارشناسی‌ارشد پیوسته را موفق‌تر دانسته‌اند. در جمع‌بندی نظرات کارفرمایان، در دو حوزه دانش و توانش برتری محسوس برای کارشناسان‌ارشد پیوسته ارزیابی کرده‌اند و در بنیان بینش توانایی دو گروه را یکسان دیده‌اند و در مجموع دوره کارشناسی‌ارشد پیوسته را برگزیده‌اند. دانش‌آموختگان کارشناسی‌ارشد پیوسته نسبت به فارغ‌التحصیلان دوره ناپیوسته نیز در هر سه بنیان اعلام رضایت و توانمندی بالاتری داشته‌اند.



نمودار ۱۳- درصد مطلوبیت دو دوره از دیدگاه گروه‌های پرسش‌شونده.

کمک طراح امکان فعالیت داشته باشند.

و صرفاً با هدف تربیت کمک طراح ادامه داشته باشد. به طوری که این کارشناسان در هر شرایطی (حتی ادامه تحصیل) فقط به عنوان

پی‌نوشت‌ها

۱. با توجه به مشترک بودن ۲۰ واحد دروس عمومی در کارشناسی ارشد پیوسته و کارشناسی از ذکر آنها خودداری گردید.

2. Beredy.
3. Description.
4. Interpretation.
5. Juxtaposition.
6. Comparison.
7. Grounded Theory.
8. Syinthist.

فهرست منابع

- آقازاده، احمد (۱۳۸۹)، *آموزش و پرورش تطبیقی*، انتشارات سمت، تهران
استراوس، انسلم، و کربین، جولیت (۱۳۹۰)، *مبانی پژوهش کیفی- فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، نشر نی، تهران.
اسلامی، سید غلامرضا و قدسی، مهرانوش (۱۳۹۲)، *رویکردی اسلامی به طراحی مدل ساختارمند نظام آموزش معماری، کمیای هنر، سال دوم شماره هفتم*، صص ۷۹-۹۴.
اکرمی، غلامرضا (۱۳۸۲)، *بررسی و مقایسه آموزش معماری (Proce- dural model) از دیدگاه لنگ با حرفه آموزی معماری سنتی ایران*، دومین همایش آموزش معماری، *نشر نگاه/امروز*، تهران، صص ۳۱-۳۳.
حجت، عیسی (۱۳۸۹)، *مشق معماری*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، خسروی، شادی و بایزیدی، قادر (۱۳۹۴)، *مقایسه تطبیقی آموزش مدرن معماری در کشور ایران و ترکیه، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی*، استانبول، صص ۱-۱۳.
شورای عالی برنامه ریزی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی (۱۳۷۷ الف)،

مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی مهندسی معماری، تهران.

شورای عالی برنامه ریزی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی (۱۳۷۷ ب)، مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد مهندسی معماری، تهران.

شورای عالی برنامه ریزی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی-گروه هنر (۱۳۷۵)، مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد (پیوسته) معماری، تهران.

غریب‌پور، افرا و توتونچی مقدم، مارال (۱۳۹۲)، *بازنگری تطبیقی برنامه آموزش پایه طراحی در دوره کارشناسی معماری، نشریه هنرهای زیبا، دوره بیستم، شماره ۴، صص ۵۹-۷۲*.

فاطمی، سیده شبنم و عطائی فر، امیر (۱۳۹۴)، *نقدی بر سرفصل درسی رشته معماری داخلی از طریق بررسی تطبیقی کارشناسی پیوسته با کاردانی و کارشناسی ناپیوسته معماری داخلی، کنفرانس ملی چالش‌های معاصر معماری، فضای سبز و شهرسازی*، تهران، صص ۱-۱۴.

فیضی، محسن و اسدپور، علی (۱۳۹۲)، *تحلیل محتوای سرفصل دروس معماری منظر مبتنی بر نگرش سیستمی در آموزش و طراحی منظر، نشریه معماری و شهرسازی*، سال اول شماره اول، تهران، صص ۴۳-۵۳.

گیلانی، سارا (۱۳۹۰)، *تفاوت دانشجویان ورودی رشته‌ی معماری قبل و بعد از تغییر مقطع تحصیلی این رشته از کارشناسی ارشد- پیوسته به ناپیوسته، مجموعه مقالات چهارمین همایش آموزش معماری بررسی چالش‌ها و جستجوی راه‌کارها*، دانشگاه تهران، تهران، صص ۳.

Beredy.G.F. (1966). *Comparative Method in Education*, Newyork: Winston.

McEwen M, Bechtel GA. (2000). Characteristics of nursing doctoral programs in the United States. *J Prof Nurs*.16(5)282-. 292.

A Comparative Study of Contiguous and Non-contiguous Master's Degree Courses in Architecture from Professors, Employers, and Graduates' Perspective in Iranian Context*

*Abbas Sedaghati**¹, Isa Hojat²*

¹Ph.D Student in Architecture, Kish International Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

²Professor of Architecture, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Received 19 Nov 2018, Accepted 10 Nov 2019)

Educational system and teaching methods play a crucial and significant role in the manifestation of the quality of architecture in various aspects of society within Iranian context. Every year architecture graduates enter occupational market and create architectural designs which affect the architecture view of the country. If teaching methodologies and education in architecture as well as the quality and efficiency of the course are improved, it is expected that the view of architecture in the country can be enhanced. Experts and specialists in the field believe that there must be various studies to determine the strengths and weaknesses related to educational system. The comparison of the content of courses is one of the approaches which has been mentioned frequently by the experts of the field. Approximately, since 80 years ago, academic education of architecture in associate degree and contiguous master's degree courses, began to train map designers, and architects with a compositional entrance exam which was thoroughly based on sketch and basics of architecture. However, since 1372 SH, the written section of the exam was omitted and the Bachelors' degree course was founded in 1377 SH. The present study is conducted to investigate and compare architecture training based on the principles of contiguous master's degree courses with the principles of the bachelors' and non-countiguous master's degree courses from university professors, consulting engineers, and graduates' perspective. The current research was an applied research study and was conducted in four consecutive phases (description, interpretation, juxtaposition, & comparison) according to George Z. F. Beredy's (1966) framework. In the initial phase, the content of the course and its goals, aims, and objectives were described in details. Then, in the second phase professors (including experienced academic staff members who

had the experience of teaching for the both periods of contiguous master's degree course and non-contiguous master's degree course), consulting engineers, and graduates' perspectives regarding the content of architecture education (considering the three foundations of knowledge, wisdom, competence) and the aims were collected during two separate periods of contiguous master's degree course and non-contiguous master's degree course. The experienced professors' view were gathered through interviews and the professor's view who had been the graduates of contiguous master's degree course and at the time of study were teaching in non-contiguous master's degree course were collected through a likert scale questionnaire. The perspectives of employers and graduates who had passed contiguous master's degree and non-contiguous master's degree courses were also collected through a likert scale questionnaires. After juxtaposition, the comparison was carried out rigorously. The results revealed that the professors, employers, and graduates preferred contiguous Master's degree courses in the three mentioned foundations. They believed that contiguous master's degree course is more likely to train competent architects and practically the graduates of the non-contiguous master's degree course do not obtain the competency of a perfect architect. Thus, it is recommended that the contiguous master's degree course be revived and besides, the bachelors' degree course be continued merely for training assistant designers.

Keywords

Architectural Education, Contiguous Master's Degree Course, Non-Contiguous Master's Degree Course, Bachelor's Degree Course, Comparative Study.

* This article is extracted from the doctoral dissertation of the first author, entitled: "Investigating the course and grades of teaching architecture in Iranian educational context and proposing the optimal course development" under supervision of the second author in Faculty of Arts and Architecture, University of Tehran.

** Corresponding Author: Tel: (+98-917) 1417263, Fax: (+98-44) 33666883, E-mail: sedaghati7263@ut.ac.ir